



رابطه نماز با درمان پیامدهای طبیعی خلقت انسان/ مفهوم صبر در آئینه روایات

آیت الله جوادی آملی با اشاره به آیات و روایات، صبر را آزادی توصیف کرده و می گوید: صبر يك مروة و مردانگی است، يك آزادی است. صبر یعنی «حریت» یعنی اگر کسی در برابر مشکلات ایستاد و به غیر خدا پناه نبرد و آزاده بود انسان صابر است. بزرگی و سنگینی نماز/ ملاک مقبولیت نماز ...

آیت الله جوادی آملی با اشاره به آیات و روایات، صبر را آزادی توصیف کرده و می گوید: صبر يك مروة و مردانگی است، يك آزادی است. صبر یعنی «حریت« یعنی اگر کسی در برابر مشکلات ایستاد و به غیر خدا پناه نبرد و آزاده بود انسان صابر است. بزرگی و سنگینی نماز/ ملاک مقبولیت نماز

آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 153 سوره بقره تأکید می کند: [خداوند] آنجا که مسئله نماز مطرح است نماز را با صبر ذکر می کند، ولی اثر را به نماز می دهد. در همان آیه 45 سوره بقره که بحثش قبلاً گذشت فرمود: و استعینوا بالصبر و الصلاة و إتها لكبرة إلا علي الخاشعين؛ نماز چیز بسیار سنگینی است، اگر ما گفتیم از نماز كمك بگیرید؛ چون نماز يك امر سنگینی است.

یکی از بهترین علل تقرب عبد به مولی نماز است و انها لكبرة؛ خیلی سخت است و انسان خاشع است که این بار سنگین را به مقصد می رساند: الا علي الخاشعين نه یعنی نسبت به خاشعین کبیر نیست یعنی حملش برای خاشعین میسر است وگرنه نسبت به خاشعین هم کبیر است، سنگین است، عظیم است، لذا وقتی ائمه (علیهم السلام) هنگام ادای نماز می شد «ترتعد فرائضه«، درباره امام مجتبی (ع) دارد که دو پهلوی حضرت می تپید، ارتعاد داشت، حالت رعد داشت؛ برای این است که دارند يك امانت سنگینی را ادا می کنند.

وی در ادامه در تشریح ملاک مقبولیت نماز می گوید: اگر کسی صبح نمازش را خواند و در آن روز از فحشا و منکر نجات پیدا کرد، این مطمئن باشد که نماز او مقبول است و اگر نماز صبحش را خواند باز کماکان دست به فحشا و منکر زد، مطمئن باشد نماز او مقبول نیست؛ بین صحت و قبول يك فرقی هست، اما علي اي حال اینجا فرمودند: نماز آن است که انسان را از زشتی باز بدارد... این چنین نیست که خدای سبحان مسئله قبول نماز را به قیامت واگذار کرده باشد، فرمود: در قیامت انسان روشن می شود، عده ای که اهل حسابند واقعاً می فهمند که نماز صبحشان قبول نشد، جبران می کنند یا نماز ظهر و عصرشان مقبول نشد، ترمیم می کنند. آنها که اهل حساب نیستند و اهل غفلتند در قیامت برایشان روشن می شود؛ اینکه گفتند: محاسبه کنید یعنی آثار عبادات را در خود ببابید اگر دیدید اثر برای شما ثابت نشد، بدانید مؤثر نیامده است؛ زیرا نماز مثلاً آن است که انسان را از زشتی باز بدارد.

این مفسر قرآن با اشاره به سیره بزرگان در استعانت از نماز تأکید می کند: جامع ترین سوره ای که خصوصیات نماز را بیان کرد و آثار نماز را ذکر کرد همین سوره مبارکه معارج است که ملاحظه می فرمایید در این سوره خصوصیات نماز را مشخص کرد، آنگاه فرمود: وقتی که نماز این است استعینوا بالصبر و الصلاة، اینکه در شرح حال بزرگان دین می بینید هر وقت مشکلاتی برای اینها پیش می آمد، به مسجد رسمی شهر، به جامع شهر می رفتند و دو رکعت نماز می خواندند و مشکیشان حل می شد برای همین جهت است برای اینکه خدا نماز را معرفی کرد، بعد فرمود: نماز این است به این نماز پناه ببرید از این نماز مدد بگیرید.

نقایص طبیعی انسان با نماز اصلاح می شود/ فطرت انسان به خدا و طبیعتش به طین برمی گردد

وی نماز را اصلاح کننده پیامدهای سوء بعد طبیعی خلقت انسان توصیف کرده و می گوید: در سوره معارج آیه 20 به بعد می فرماید به اینکه انسان يك فطرتی دارد و يك طبیعتی؛ فطرت انسان را در سوره مبارکه روم مشخص کرد که فاقم وجهك للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله این فطرت انسانی است که خدا را می خواهد، خدا را می طلبد و با فطرت توحید خلق شده است. يك طبیعتی هم دارد که بدن او از آن طبیعت تنظیم شده است که فرمود: اني خالق بشرًا من طين * فإذا سویته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين؛ آن فطرتش را به خود نسبت داد و آن طبیعتش را به گل نسبت داد؛ فرمود: من يك بشر معجوني آفریدم که بدن او مربوط به گل اوست، جان او مربوط به من است: فإذا سویته و نفخت فيه من روحي.

آیت الله جوادی آملی در بیان پیامدهای طبیعی انسان در سوره معارج تصریح می کند:.. فرمود: انّ الإنسان خلق هلوعاً * اذا مسّه الشر جزوعاً * و اذا مسّه الخير منوعاً، این دردهایی که از طبیعت برخاست. خب، راه درمانش چیست؟ راه درمان هلوع بودن، جذوع بودن، منوع بودن چیست؟ إلا المصلين؛ نماز است که همه این پیامدهای طبیعی را ترمیم می کند، نماز از فطرت برمی خیزد و سایه افکن است و این پیامدهای سوء طبیعی را رهبری می کند، پس هلوع بودن، جذوع بودن، منوع بودن که نشانه نقص طبیعی انسان هست با نماز اصلاح می شود إلا المصلين).

وی در تبیین مفهوم مصلین تأکید می کند: ... در جوامع روایی ما آمده از بیانات معصومین (ع) که اگر کسی دائماً به یاد حق بود این مثل اینکه دائم الصلاة است. گذشته از آن اگر کسی دائماً به فکر نماز باشد هم به این فکر است که نماز خوانده قبلی را باطل نکند به فحشا و منکر، هم به این فکر است که برای نماز بعدی يك غذای حلال و لباس حلال در بکند، این دائماً به فکر نماز است، این شخصی که می گوید: من نماز ظهر را در پیش دارم باید با لباس حلال، با مکان حلال، با پوشاک حلال، با فکر حلال وارد نماز بشوم و همین کسی که می گوید: من نماز صبح را پشت سرگذاشتم آن نماز را از دست ندهم؛ این دائماً به فکر نماز است این چنین نیست که انسان دائماً در یکجایی مشغول رکوع و سجود باشد، خدای سبحان به نمازگزاران نماز جمعه که از بهترین و پرفضیلت ترین نمازها است، فرمود: فإذا قضیت الصلاة فانتشروا فی الأرض ؛ وقتی نمازتان را خواندید. بروید دنبال کارتان. این چنین نیست که دائماً در مسجد باشید؛ کار و زندگیتان را هم حفظ بکنید، نمازتان را هم بخوانید...

ویژگی مصلین

این مفسر قرآن در ادامه به تبیین آثار نماز در درمان پیامدهای طبیعی انسان پرداخته و می افزاید: ... نماز آن است که انسان را به فکر محرومین متذکر کند، نماز آن است که انسان را به فکر سائلین متذکر کند... نمازگزار به یاد روز قیامت است و الذین هم من عذاب ربهم مشفقون ؛ نمازگزار از عذاب الهی هراسناک است، إنّ عذاب ربهم غیر مأمون؛ کسی از عذاب خدا در امان نیست و به کسی امان نامه نداده اند، که او از عذاب الهی برهد...

وی رعایت حریم عفاف را یکی دیگر از ویژگیهای نمازگزاران برشمرده و می گوید: و الذین هم لفروجهم حافظون ؛ نمازگزار انسان عفیف است. یعنی چه؟ اگر در سوره عنکبوت، فرمود: ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر ، آن اصل کلی را در سوره معارج تشریح کرد؛ شرحه، شرحه باز کرد، فرمود: نماز جلوی تکاثر را می گیرد، جلوی بی عفتی را می گیرد، جلوی اُمن از عذاب را می گیرد که اُمن، اُمن غافلانه است و مانند آن.

آیت الله جوادی آملی امانت داری و وفای به عهد را از دیگر خصیصه های نمازگزاران توصیف کرده و با اشاره به آیات قرآن یادآور می شود: ...إلا علی ازواجهم أو ماملکت ایمانهم فإنهم غیر ملومین * فمن ابتغی وراء ذلك فاولئك هم العادون * والذین هم لأماناتهم وعهدهم راعون ؛ نمازگزار آن است که اُمین باشد، نمازگزار آن است که به عهدش احترام بگذارد (هم عهد الهی را، هم عهد با مردم را) تعهداتی که کرده است ایفاء کند.

وی در ادامه با تأکید بر شهادت نمازگزار به حق و عدل تصریح می کند: والذین هم بشهاداتهم قائمون ، هم حدوداً هم بقاءً به حق شهادت می دهند. خب اگر نمازگزاری از ادای شهادت پرهیز کرد این نمازگزار واقعی نیست، یا قائم بر شهادت قسط نبود، نمازگزار واقعی نیست: والذین هم بشهاداتهم قائمون...خدای سبحان فرمود: انسان گرچه فطرتاً الهی و صبور است، ولی طبیعتاً جزوع است و هلوغ است. نماز جلوی این هلع و جزع را می گیرد، و اذا مسه الخیر منوعاً بخیل است، و اذا مسه الشر جزوعاً * ... الا المصلین ، معلوم می شود یک نقشی دارد نماز که صبر را هم تثبیت می کند؛ از یک نظر صبر محصول نماز است و از یک طرفی هم به انسان گفته اند شما بر اطاعت هم صبر کنید حتی صلات؛ به رسول اکرم فرمود: وامر أهلك بالصلاة واصطبر علیها ؛ انسانی هم که نماز می خواند بر این طاعت صبر می کند؛

استعانت از خدا به وسیله صبر و نماز شرط تنزل نصرت الهی است

این مفسر برجسته قرآن تأکید می کند: صبر در هنگام طاعت شامل نماز هم می شود، انسان صابر است که نماز می خواند، ولی نماز جلوی جزع او را هم می گیرد؛ چون همه در یک راه اند، بی تابی که در مقابل صبر و استقامت است به وسیله نماز برطرف می شود، اگر حیانا گفته شد «؛الصلاة عمود الدین» برای آن که صبر به برکت نماز پیدا می شود، گرچه خود نماز به وسیله صبر حاصل می شود، تا انسان صبر بر طاعت نداشته باشد مصلی نیست. یک درجه از صبر است که به صلات کمک می کند و یک درجه قوی از صبر است که به وسیله صلات پیدا می شود، فرمود: انسان جزوع را نماز صبور می کند، معلوم می شود صلات عمود دین است. خب، انسان اگر از این رذائل درونی بخواهد برهد، باید نماز بخواند. اگر در برابر دشمن بخواهد پایدار باشد، باید صابر باشد و باید اهل صلات باشد.

آیت الله جوادی آملی استعانت از خدا به وسیله صبر و نماز را شرط تنزل نصرت الهی خوانده و تصریح می کند: پس خدایی که فرمود: نصر پیش من است. خدایی که فرمود: معین و مستعان غیر از من أحدى نیست، راه به ما نشان داد، فرمود: این چنین نیست که رایگان من شما را پیروز کنم. این نظام، نظام حرکت و کار است، اگر بخواهید کمک به شما برسد، اهل نماز باشید...

وی در ادامه به تبیین مفهوم صبر از منظر روایات اسلامی پرداخته و با اشاره به اینکه صبر غیر از سکوت است، می‌گوید: صبر صفت انسان آزاده است. يك انسان آزادمنش صابر است، صبر، نه نشانه ذلت است، و نه سکوت، به معنای صبر است، نه تحمل ظلم به معنای صبر است، نه بی‌تفاوتی به معنای صبر است، نه کم‌حوصله‌گی به معنای صبر است؛ صبر اصولاً آن حرّیت و آزادی را می‌گویند: کتاب شریف اصول کافی جلد دو «؛ کتاب الایمان و الکفر، بابی است به نام «؛ باب الصبر، روایات فراوانی در این باب است که از ائمه (علیهم السلام) رسیده است: «؛ الصبر رأس الایمان یا «؛ الصبر من الایمان بمنزلة الرأس من الجسد فإذا ذهب الرأس ذهب الجسد كذلك إذا ذهب الصبر ذهب الایمان»، این روایات فراوان است.

این مدرس عالی حوزه با بیان اینکه صبر نشان آزادی است، تأکید می‌کند: ابی بصیر از امام ششم (ع) نقل می‌کند: «؛ عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: إن الحر حرّ علي جميع أحواله؛ يك انسان آزاده، آزاد است در همه حالات؛ چون حرّیت برای او ملکه است، حال نیست که گاهی آزاد باشد، گاهی برده. يك انسان آزاد، همیشه آزاده است: «؛ إن الحر حرّ علي جميع أحواله إن نابته نائبة صبر لها؛ اگر يك نائبه و رویداد دردناکی به او اصابت کند، در برابر این رویداد صبر می‌کند، «؛ و ان تداكت عليه المصائب لم تكسره؛ اگر مصیبت‌های دردناک فشار بیاورد، بکوبد او را، مندکش بکند، باز او شکسته نمی‌شود، «؛ و ان اسر و قهر و استبدل باليسر عسراً؛ اگر چه مقهور بشود، اسیر بشود، آسانی و یسر او به عسر و دشواری تبدیل بشود، در همه این حالات او آزاده است، «؛ كما كان يوسف الصديق الامين (ع) لم يضر حريته ان استعبد و قهر و أسر؛ آن وقتی که به چاه افتاد آزاده بود، آن وقتی که به زندان افتاد آزاده بود، چیزی از آزادی او نکاست، نه قهر، نه استعباد، (آن وقتی که او را به عنوان بنده فروختند: و شروه بثنم بخش دراهم معدوده او را به عنوان يك عبد فروختند)، گرچه به عنوان بنده خریده شد، ولی او در حقیقت آزاد بود و روح آزادی داشت: «؛ لم يضر حريته ان استعبد و قهر و اسر و لم تضربه ظلمة الجبّ و وحشته؛ تاریکی جب و چاه و وحشت چاه او را از آزادی نینداخت، در همه حالات انسان آزاده بود، نه اهل گلابه و شکایت بود و نه اهل توسل به غیر حق.

آیت الله جوادی آملی در ادامه می‌افزاید: آنگاه فرمود: در اثر آزادی او خدای سبحان بر او منت نهاد که «؛ و ما ناله أن منّ الله عليه فجعل الجبار العاتي له عبداً؛ خدای سبحان آن جباری که اهل غنّو و استکبار بود، بنده او قرار داد «؛ بعد از آن که مالک فارسله و رحم به امة و كذلك الصبر يعقب خيراً فاصبروا و وطنوا أنفسكم علي الصبر توجروا؛ حضرت فرمود به اینکه این مخصوص یوسف صديق نیست، هر امتی اگر صابر باشد، به جایی می‌رسد که دماغ آن مستکبران را به خاک می‌مالد و آنها که داعیه قدرت داشتند آنها را مقهور خود می‌کند و انسان صابر مأجور است.

وی تأکید می‌کند: و باز در همین باب شریف مسئله صبر را به عنوان مردانگی و رادمردي مطرح می‌کند، روایت 22 این باب این است که امام باقر (ع) طبق این نقل فرمود: «؛ مروءة الصبر؛ مروءة همان مروءة است یعنی مردانگی، اصولاً مرد را مرد می‌گویند بخاطر مروءتش؛ چه اینکه امت را امت گفته‌اند برای اینکه امام و امامی دارد یا قوم می‌گویند برای اینکه اهل قیام است؛ مرد را هم مرد گفتند برای مروءتش «؛ مروءة الصبر في حال الحاجة والفاقة والتعفف و الغني أكثر من مروءة الإعطاء؛ مردانگی که در انسان نیازمند است و انسان نیازمند حیثیتش را حفظ کند و از کسی چیزی طلب نکند، بالاتر از مردانگی بخشندهگان است که می‌بخشند. آن که دارد و می‌بخشد، اهل مروءة و مردانگی است. آن که ندارد و بی‌اعتناست، مردانگی‌اش بیشتر است. پس صبر يك مروءة و مردانگی است، يك آزادی است؛ نه صبر یعنی سکوت، صبر یعنی انضلام، صبر یعنی خاموشي. صبر يعني «؛ حریت» یعنی اگر کسی در برابر مشکلات ایستاد و به غیر خدا پناه نبرد و آزاده بود انسان صابر است.

آیت الله جوادی آملی در پایان تفسیر آیه 153 سوره بقره خاطرنشان می‌کند: پس ان الله مع الصابرين به منزله «؛ ان الله مع الاحرار» است؛ خدا با آزادگان است و کسی آزاده است که از بردگی شهوت و غضب درون برهد؛ چون «؛ عبد الشهوة أذلّ من عبد الرق؛ اگر کسی خواهان شهوت خود بود و به میل شهوت خود عمل کرد، این از برده زرخريد بيرون دليل و فرومایه‌تر است؛ چون آن بنده زرخريد ممكن است در اثر تقوا. به کرامت برسد و این انسانی که به حسب ظاهر آزاد است، ولی برده شهوت است به هوس کار می‌کند، به فرومایگی تن در می‌دهد. این از بیانات حضرت امیر (ع) است که فرمود: «؛ عبد الشهوة أذلّ من عبد الرق».